

در پاسخ به اظهارنامه ارسالی جنابعالی و همچنین ادعاهای غیر واقع مطروحه در خصوص ممانعت از ورود به ملک، تقاضای کارشناسی و تامین دلیل جهت مطالبه خسارات، مراتب ذیل را با استناد به قوانین و مقررات مربوطه به اطلاع شما می‌رسانم:

1. شراکت و پایان آن: همانطور که مستحضر هستید، قراردادی شفاهی مبنی بر شراکت در یک دفتر واقع در [محل دفتر] به تاریخ [تاریخ] با جنابعالی منعقد گردید. از آنجا که هیچ قرارداد مکتوبی در خصوص مدت شراکت وجود نداشته و بر اساس عرف و رویه‌های معمول تجاری، شراکت‌های شفاهی با تصمیم طرفین به پایان می‌رسند، این شراکت به طور عملی در تاریخ [تاریخ] به پایان رسید. در واقع، با توجه به عدم وجود قرارداد کتبی با زمان مشخص، ادامه این شراکت پس از این تاریخ، نیازمند توافق مجدد بوده که هرگز حاصل نشد.

2. توافق تقسیم اموال: جهت تعیین تکلیف نهایی اموال و حقوق شراکتی، در تاریخ [تاریخ]، توافق شفاهی مبنی بر تقسیم و تعیین سهم هر یک از شرکا انجام شد. بر اساس این توافق، کلیه اموال مشترک به طور کامل تقسیم و تصفیه شده است. با توجه به مواد 197 و 198 قانون مدنی که صحت معاملات غیر مکتوب را مشروط بر عدم مخالفت صریح قانون می‌دانند و با عنایت به اصل حاکمیت اراده، توافقات شفاهی نیز لازم الرعایه هستند و دلالت بر پایان قطعی شراکت و تعیین تکلیف اموال دارند.

3. عدم وجود رابطه حقوقی پس از پایان شراکت: با توجه به مراتب فوق و صراحت بندهای 1 و 2، از تاریخ [تاریخ] هیچ رابطه حقوقی و یا تعهدی بین من و شما در خصوص ملک موضوع شراکت وجود نداشته و ندارد. بنابراین، ادعای شما مبنی بر ممانعت از ورود به ملک شراکتی و استناد به مواد 190، 758 و 1257 قانون مدنی، فاقد وجاهت قانونی و مستندات حقوقی است. طرح چنین ادعایی، نقض صریح قواعد حقوقی و موجب تضییع حقوق اینجانب می‌باشد.

4. عدم وجود خسارت: بر اساس ماده 328 قانون مدنی، مسئولیت ورود خسارت بر عهده کسی است که فعل یا تقصیری مرتکب شده باشد و ورود خسارت باید ناشی از فعل زیانبار شخص خوانده باشد. با توجه به پایان قرارداد شراکت و تقسیم کامل اموال مشترک، هیچ گونه فعل یا تقصیری از جانب من صورت نگرفته که موجب ورود خسارت به شما شده باشد. همچنین، وفق ماده 331 قانون مدنی، "تسبیب" به معنی اینکه شخص مستقیماً سبب وقوع خسارت شود، نیز در این مورد منتفی است. لذا، مطالبه خسارت از سوی شما فاقد هرگونه مستند قانونی و شرعی است.

5. عدم توجیه قانونی کارشناسی و تامین دلیل: درخواست کارشناسی و تامین دلیل در شرایطی موجه است که ضرورت احراز واقعیت یا اثبات حقی باشد. در این مورد، با توجه به پایان شراکت، تقسیم اموال و عدم وجود رابطه حقوقی پس از پایان قرارداد، هیچگونه توجیه قانونی برای انجام کارشناسی و تامین دلیل وجود ندارد. مطابق با مواد 1257 و 1258 قانون مدنی، اثبات ادعا بر عهده مدعی بوده و با توجه به مستندات ارائه شده، ادعاهای شما اساساً فاقد دلیل است و این امر صرفاً موجب تضییع حقوق اینجانب خواهد شد.

6. سفته تضمینی: لازم به ذکر است که سفته‌هایی مربوط به ضمانت، نزد بنده موجود

بوده و بارها به شما اعلام شده است تا برای دریافت آن اقدام نمایید که متأسفانه تاکنون مراجعه‌ای صورت نگرفته است. این امر نشان دهنده عدم جدیت شما و حتی عمد در عدم پیگیری مطالبات و بی‌توجهی به حقوق بنده است.

7. وضعیت ابزار و وسایل مشترک: در تاریخ [تاریخ]، توافقی شفاهی حاصل شد مبنی بر اینکه ابزار و وسایل مشترک، در قبال بخشی از طلب شما تهاتر گردد. این طلب شامل مبلغ [مبلغ پیش پرداخت] پیش پرداخت و [مبلغ سرمایه گذاری] سرمایه‌گذاری بود که جمعاً مبلغ [مبلغ کل بدهی] را تشکیل می‌داد. منشأ این بدهی [مبلغ کل بدهی]، طبق اعلام [نام شرکت سرمایه گذاری]، مربوط به خرید و فروش کالا بوده است. با این تهاتر، مقرر شد که این بدهی به طور کامل تسویه گردد. لازم به ذکر است که مبلغ [مبلغ سهم پیش پرداخت] از مبلغ پیش پرداخت، سهم اینجانب بوده است. بر این اساس، با توجه به تهاتر انجام شده، هیچ گونه بدهی دیگری در خصوص ابزار و وسایل مشترک به شما وجود ندارد. این موضوع نه تنها حقی برای شما ایجاد نمی‌کند، بلکه به عنوان دلیلی بر تصفیه حساب‌های مالی میان طرفین محسوب می‌شود.

8. مطالبه غرامت بابت پیچ اینستاگرام: ادعای جنابعالی مبنی بر مطالبه غرامت بابت پیچ اینستاگرام که تعداد دنبال کننده آن از [تعداد اولیه] به [تعداد نهایی] افزایش یافته است، مصداق بارز "ادعای بلا دلیل" بوده و فاقد هرگونه اعتبار و سندیت حقوقی است. اولاً، این پیچ از ابتدا متعلق به بنده بوده و تمامی محتوای آن توسط بنده تولید شده است. ثانیاً، مطابق با اصل "عدم استحقاق" در حقوق، هر فردی مستحق بهره‌برداری از نتایج اقدامات و زحمات خویش است و بنده هیچ تعهدی بابت جبران عواید ناشی از فعالیت پیچ به جنابعالی ندارم. ثالثاً، استناد به افزایش دنبال‌کنندگان به عنوان مبنای مطالبه غرامت، فاقد وجهت قانونی است و هیچ ماده قانونی یا رای وحدت رویه‌ای در تایید این ادعا وجود ندارد. در واقع، این ادعا تلاشی برای سوء استفاده از زحمات و تلاش‌های بنده می‌باشد.

9. مسائل مالیاتی: در خصوص مسائل مالیاتی نیز، لازم به ذکر است که بر اساس ماده 226 قانون مالیات‌های مستقیم، هر شخص مسئول پرداخت مالیات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی خود می‌باشد. مالیات مربوط به فعالیت بنده (مبلغ [مبلغ مالیات]) و مالیات [مبلغ مالیات شخص مقابل] مربوط به شما که ناشی از خرید و فروش املاک شخصی شما است، کاملاً جداگانه و مستقل می‌باشد و ارتباطی به شراکت ما ندارد. استناد به شراکت به عنوان دلیلی برای تقسیم مسئولیت پرداخت مالیات غیر مرتبط، نقض صریح اصول مالیاتی و تلاش برای فرار مالیاتی می‌باشد. بر اساس نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، مسئولیت پرداخت مالیات بر عهده فردی است که فعالیت اقتصادی را انجام داده و سود را کسب کرده است، نه شریک وی. از این رو، بنده هیچ گونه تعهدی در قبال پرداخت مالیات مربوط به فعالیت‌های شخصی شما ندارم.

با توجه به مراتب فوق و مستندات ارائه شده، ضمن ابراز تأسف از طرح اینگونه ادعاهای غیر موجه، بی‌اساس و خلاف واقع، به شما هشدار داده می‌شود که در صورت تکرار اینگونه ادعاها و پیگیری مطالبات بی‌اساس، اینجانب ناگزیر به طرح شکایت در مراجع ذیصلاح برای مطالبه جبران خسارات ناشی از این اقدامات شما خواهم بود. همچنین، هرگونه اقدام قضایی شما در این خصوص را فاقد وجهت و محکوم به شکست می‌دانم.

با احترام،

[محل امضا]